

ایران یا توانمندی‌های خود می‌تواند نقش محوری در ایجاد بازار مشترک ایفا کند

اشاره:

با تصویب پیشنهاد ایران مبنی بر تشکیل بازار مشترک اسلامی در هشتمین اجلاس سران کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در تهران، بحث ایجاد این بازار، نحوه فعالیت و عضوگیری آن، مزایای بهره‌گیری از چنین بازاری برای کشورهای مسلمان و موانع اجرایی، در محافل اقتصادی بالا گرفته است.

با توجه به مزایایی که از تشکیل یک بازار مشترک نصیب اقتصاد کشورهای عضو می‌شود، علاقه‌مندی بسیاری نسبت به راهکارهای اجرایی ایجاد بازار مشترک اسلامی ابراز می‌گردد، اما کارشناسان اقتصادی، نحوه تشکیل و فعالیت این بازار تا رسیدن به هدف غایی را اقدامی درازمدت و نیازمند انجام بسیاری اصلاحات و همگنی‌ها در کشورهای اسلامی می‌دانند که چندان به سهولت قابل حصول نمی‌باشد.

خبرنگار نشریه «بررسی‌های بازرگانی» در گفت‌وگو با دکتر بهمن آرمان، کارشناس ارشد مسایل اقتصادی و بازار سرمایه، مزایای تشکیل بازار مشترک اسلامی و راه‌های حصول به برقراری این بازار را جویا شد که با هم می‌خوانیم.



■ آیا بین کشورهای مختلف اسلامی عدم تعادل اقتصادی به میزان وسیع وجود دارد و آیا آنها می‌توانند در درون یک اتحادیه کنار هم قرار گیرند؟

□ مقوله عدم تعادل بین کشورهای اسلامی که در هشتمین کنفرانس سران کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در تهران دور یکدیگر جمع شدند، یک بار دیگر نه تنها اختلاف‌نظرهایی را در پاره‌ای برداشت‌ها مطرح کرد، بلکه در نهایت نشان داد که کشورهای اسلامی در درون خود از تضادهای اقتصادی گسترده‌ای رنج می‌برند و عملاً همگرایی لازم را با یکدیگر ندارند.

در بین کشورهای اسلامی، کشورهایی وجود دارند که به

هسته مرکزی طی ده سال هماهنگی‌های لازم را درون اقتصاد خود ایجاد کنند و سپس به تدریج زمینه‌ای برای پیوستن دیگر کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی به این مجموعه فراهم شود.

به نظر من، در این برهه نمی‌توان تمام کشورهای اسلامی را تحت یک بازار واحد و در یک اتحادیه مشخص، دور یکدیگر جمع کرد. اکنون این کار امکان‌پذیر و مرسوم نیست. تجربه سایر کشورها نشان داده است در ابتدا یک گروه از کشورهای همگن که دارای نقاط مشترکی هستند، دور هم جمع شده‌اند و اقتصادهای یکدیگر را تکمیل کرده‌اند.

کشورهایی که نام برده شد، می‌توانند هسته اولیه چنین برنامه‌ای باشند تا بتوان دیگر کشورهای اسلامی را به آن اضافه کرد.

■ هشتمین اجلاس سران کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در تهران چه نتایج و دستاوردهایی داشت؟

□ از بازتاب‌های اجلاس آنچه که برآمد، این است که تصمیم مشخصی گرفته نشده است. ایده ایجاد بازار مشترک اسلامی عمدتاً از سوی ایران مطرح شد. ایران به‌عنوان میزبان و شاید کشوری که می‌تواند بیشترین منافع را از بعد سیاسی از طریق ایجاد بازار مشترک داشته باشد، موضوع تشکیل این بازار را مطرح کرد.

تعدادی از کشورهای اسلامی آن‌چنان گرایشی نسبت به این مقوله نشان دادند و به همین دلیل دستور پیگیری اساسی نیز در این زمینه نمی‌بینیم.

به نظر من، ایران چون مسؤلیت کنفرانس را برای مدت چهار سال دارد و میزبان بود، باید روی این موضوع تأکید کند و هسته مرکزی ایجاد اتحادیه را به‌وجود آورد.

■ آیا می‌توان کشورهای اسلامی را از نظر اقتصادی به گروه‌های مختلف تقسیم کرد؟

□ بدون شک کشورهای اسلامی از بعد اقتصادی گروه‌های مختلفی دارند که این دسته‌بندی برای رسیدن به هسته اولیه می‌تواند ما را کمک کند.

در بین کشورهای اسلامی، کشورهای با درآمد سرانه بالا (تا ۱۵۰۰۰ دلار) وجود دارند. این کشورها شامل امارات، عربستان و کویت می‌باشند. درآمد سرانه این کشورها از برخی کشورهای تازه صنعتی شده چون که از جنوبی بیشتر است.

علت ساختار اقتصادی سالم و قوی حتی شرایط خود را به دنیای خارج و کشورهای صنعتی تحمیل می‌کنند، ولی در عین حال کشورهایی وجود دارند که از نظر اقتصادی بسیار ضعیف هستند و به‌ناچار باید آنها را در کنار یکدیگر کمک کرد. در واقع برای آنکه کشورهای اسلامی در درون یک اتحادیه کنار یکدیگر قرار گیرند، به‌ناچار باید فعالیتی انجام شود همانند آنچه که در بین کشورهای اروپایی در زمان تشکیل اتحادیه اروپا انجام شد.

○ عدم تعادل بین کشورهای اسلامی در هشتمین نشست سران کنفرانس اسلامی در تهران، نه تنها اختلاف نظر در پاره‌ای برداشت‌ها، بلکه تضادهای اقتصادی گسترده در درون کشورهای اسلامی را نشان داد. آنها همگرایی لازم با یکدیگر را ندارند.

در آن زمان یک سری اقتصادهای نزدیک به هم، همگن، همگرا و مشابه ابتدا به‌وجود آمد، سپس به تدریج بعد از آنکه ساختار آنها با یکدیگر هماهنگ شد، به گرفتن اعضای جدید اقدام کردند. در حال حاضر نیز برای گرفتن اعضای جدید که مربوط به شرق اروپا هستند و یا کشورهایی چون قبرس و ترکیه، پیش‌شرطها و مدت زمانی را برای پیوستن آنها به اتحادیه اروپا تعیین می‌کنند.

کشورهای اسلامی نیز به‌ناچار نمی‌توانند خارج از این چارچوب حرکت کنند. به‌طور مثال، اگر در یک اتحادیه اقتصادی، افغانستان بخواهد در کنار عربستان سعودی قرار گیرد، در نخستین گام به هیچ‌وجه میسر نیست.

بعد مسافت بین کشورهای اسلامی نیز از دیگر موانع منسجم کردن کشورهای اسلامی در یک چارچوب مالی و اقتصادی است. البته مانع اصلی همگرا و همگن نبودن اقتصاد تعدادی از کشورهای اسلامی است.

■ برای اینکه بتوان هسته اولیه تشکیل یک بازار مشترک اسلامی را به‌وجود آورد چه پیشنهادی دارید؟

□ باید تعدادی از کشورهایی که وضعیت اقتصادی مطلوب و در عین حال نزدیک به هم دارند، ابتدا فراهم آیند. تعدادی از این کشورها در خاورمیانه هستند. مصر، عربستان سعودی، ایران، ترکیه، پاکستان، اندونزی و مالزی می‌توانند به عنوان

خریداری و کالاهای مورد نیاز عربستان را نیز تأمین می‌کنند. به هر حال وجود دین اسلام به‌عنوان یک عامل قوی می‌تواند این کشورها را دور یکدیگر جمع نماید.

اشاره به این نکته ضروری است که تشکیل اتحادیه‌های اقتصادی، یک راه چاره غیرقابل اجتناب است. هم‌اکنون تولید باید به‌صورت انبوه انجام گیرد و تولید انبوه نیازمند بازار بزرگ است. این بازار بزرگ نمی‌تواند به‌وجود آید، مگر آنکه مرزهای جغرافیایی بین کشورها برداشته شوند. البته مرزهای جغرافیایی برداشته نمی‌شوند، مگر آنکه اتحادیه لازم به‌وجود آید.

به‌نظر من هم‌اکنون که کشورهای اسلامی در حال نزدیک شدن به فرآیند توسعه هستند، ناچارند مرزهای بین خود را بردارند.

■ آیا اختلاف بین گروه‌های مختلف کشورهای اسلامی به‌ویژه دسته اول و سوم دلیلی برای تشکیل نشدن بازار مشترک اسلامی است؟

□ چرا، بدون شک این کشورها از نظر درآمد سرانه و بافت اقتصادی و مشکلات درونی با یکدیگر اختلاف دارند، ولی قرار نیست که این امتزاج و تداخل، به‌صورتی سریع انجام گیرد. یک دوره گذر وجود دارد. در ضمن، اتحادیه یا بازار مشترک اسلامی برای پذیرش اعضاء جدید پیش‌شرط‌هایی خواهد داشت. بدین خاطر صرف مسلمان بودن یک کشور دلیل حضور آن در اتحادیه تلقی نمی‌شود، بلکه باید پیش‌شرطها را تأمین کرد.

به نظر من در این مرحله تنها گروه اول و دوم شرایط لازم را دارند و می‌توانند در کنار هم باشند و کشورهای گروه سوم در این میان جایی ندارند، مگر آنکه در یک دوره ۱۰ ساله بتوانند شرایط اقتصادی خود را با گروه اول و دوم وفق دهند.

■ توان اقتصادی و موقعیت راهبردی ایران در بین کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در چه جایگاهی قرار دارد؟

□ به علت سرمایه‌گذاری‌های ناکافی و درگیری کشور با یک سری مسایل حاشیه‌ای در ۲۰ سال اخیر، ایران تا حدودی جایگاه اقتصادی خود را از دست داده است. از نظر تولید سرانه کالاهای راهبردی، ایران با همتهای مسلمان خود فاصله دارد. ایران یک‌سوم ترکیه فولاد تولید می‌کند، یک‌دوم ترکیه سیمان تولید می‌کند، ظرفیت نیروگاه‌های برق ایران حدود ۳۰۰۰ مگاوات از ترکیه کمتر است. اینها در زمانی است که ایران و

○ مصر، عربستان سعودی، ایران، ترکیه، پاکستان، اندونزی و مالزی می‌توانند طی ده سال، هماهنگی‌های لازم در درون اقتصاد خود را برای تشکیل هسته مرکزی بازار مشترک به‌وجود آورند.

در همین گروه، کشور صنعتی مالزی با درآمد سرانه بیش از ۵۰۰۰ دلار نیز قرار می‌گیرد. با وجود آنکه کشورهای اسلامی در ردیف ملل غیرصنعتی جهان شناخته می‌شوند، ولی در میان آنها کشورهایی هستند که از نظر فن‌آوری و توسعه اقتصادی در موقعیت مناسبی هستند.

دسته‌های این کشورها عبارتند از: در رده اول مالزی، اندونزی، عربستان سعودی، ترکیه و مصر که جزو پیشگامان کشورهای اسلامی هستند. به‌طور مثال عربستان سعودی نه‌تنها یک تولیدکننده بزرگ نفت می‌باشد، بلکه کشوری است که از نظر تولیدات پتروشیمی در سطح بین‌المللی شناخته شده است. عربستان صنایع پایه چون فولاد و آلومینیوم نیز دارد. از نظر ساختار زیربنایی نیز بسیار قوی است. دارای جاده‌های زیاد و فرودگاه‌های عدیده می‌باشد و از نظر تأسیسات آموزشی و بهداشتی اصولاً با هیچ‌یک از کشورهای منطقه قابل مقایسه نیست و در سطح کشورهای صنعتی است.

این گونه کشورها چندان تمایلی به جمع شدن با یکدیگر ندارند و این گرایش در مورد کشورهای تشکیل‌دهنده هسته مرکزی اتحادیه اروپا نیز مشاهده می‌شود.

در رده دوم کشورهای اسلامی، ایران، عراق، پاکستان، الجزایر و لیبی قرار دارند که توسعه اقتصادی آنان در رده دوم به‌شمار می‌آید. این کشورها توانمندی‌های زیادی دارند و ذخایر نفتی آنان نیز بالاست. پاکستان کشوری است که در سه سال گذشته با وجود مشکلات داخلی، رشد بالای ۶ درصدی داشته است.

در رده سوم کشورهایی هستند که درآمد سرانه پایین و رشد اقتصادی نامطلوب و شرایط سیاسی و اقتصادی نابسامانی دارند. چاد، افغانستان و سومالی از آن جمله‌اند.

به نظر من گروه اول و دوم کشورهای اسلامی هستند که قادرند هسته مرکزی را به‌وجود آورند، ولی بعید به‌نظر می‌رسد عربستان تمایلی به مشارکت در این بازار داشته باشد، چون اقتصادی بسیار قوی دارد و شرکای اقتصادی این کشور عمدتاً کشورهای صنعتی هستند که مواد تولیدشده آن را

□ صد درصد می‌تواند چنین نقشی را ایفا کند. به‌خاطر آنکه هیچ کشور اسلامی توانایی‌های ایران را ندارد. ایران از نظر موقعیت، ویژگی‌هایی نیز دارد که این ویژگی‌ها فقط در ابرقدرت‌ها مشاهده می‌شود.

ترکیب منابع، بزرگی بازار و امکانات بالفعل به‌گونه‌ای هستند که ایران را در حد ابرقدرت‌ها قرار می‌دهند. تنوع معادن، شرایط اقلیمی و جغرافیایی، ذخایر زیرزمینی مثل نفت، گاز، سنگ آهن، زغال‌سنگ، مس و آلومینیوم چیزهایی هستند که به‌طور یکجا فقط در کشورهایی که ویژگی‌های ابرقدرتی دارند، جمع می‌شوند. بنابراین ایران توانمندی‌های بسیاری دارد که هیچ‌یک از کشورهای اسلامی دارای آن نیستند و اتفاقاً در این موارد است که بازار مشترک اسلامی می‌تواند به میزان زیادی کارساز باشد.

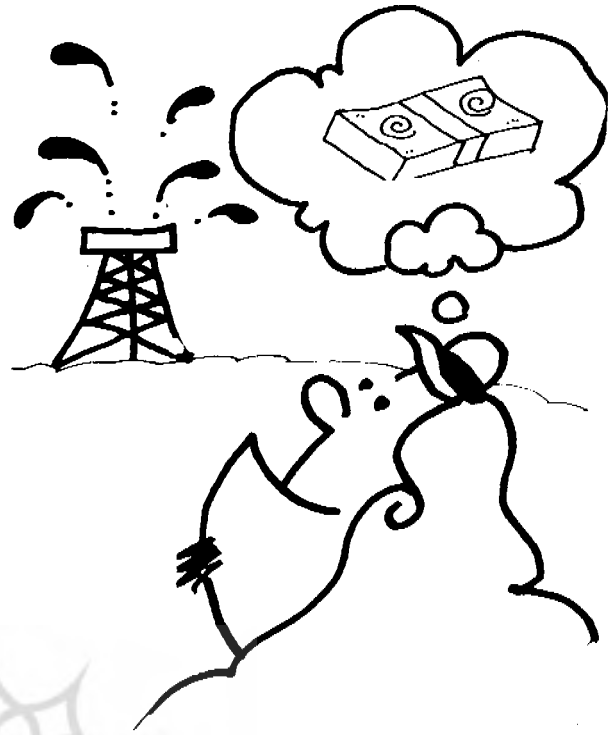
گفته شده ایران به‌عنوان کشور دارای توانمندی‌های اقتصادی، می‌تواند از این بازار بیشترین استفاده را بکند و بیشترین استفاده را نیز به سایر کشورها برساند. زیرا ایران به‌علت مشکلاتی که دارد، از کمبود سرمایه رنج می‌برد، در حالی که کشورهای مثل عربستان سعودی و دیگر کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس توان سرمایه‌گذاری بسیار گسترده‌ای دارند که این توان اکنون در کشورهای اسلامی مورد استفاده نمی‌باشد و به کشورهای اروپایی و آمریکا روانه می‌شود.

اگر بازار مشترک اسلامی با محوریت ایران به‌وجود آید، بدون شک جریان سرمایه به سوی ایران هدایت می‌شود و در طی مدت کوتاهی مشکلات عقب‌ماندگی کشور جبران می‌شود.

■ چرا سرمایه کشورهای ثروتمند اسلامی به سمت دیگر کشورهای اسلامی روانه نمی‌شود؟

□ سرمایه به جایی می‌رود که مقررات مناسب و امنیت سرمایه‌گذاری باشد و در نهایت بتواند بازده مطلوبی را تضمین کند.

بررسی‌های صورت گرفته و نیز مشاهدات موجود، نمایانگر آن است که در اکثر کشورهای اسلامی این شرایط وجود ندارد، زیرا درگیر تشنجات درونی هستند و کمتر کشور اسلامی مشاهده می‌شود که موقعیت مناسبی برای سرمایه‌گذاری داشته باشد. پاکستان درگیر برخوردهای قومی است، ترکیه دارای جنگ طولانی با کردها می‌باشد، عراق همین‌طور. در تمام محدوده خاورمیانه اغتشاشاتی در رابطه با اسرائیل وجود دارد. در چنین اوضاع و احوالی، طبیعی است که



ترکیه دارای شرایط مشابهی هستند. درآمد سرانه ایران حدود ۱۰۰۰ دلار و درآمد سرانه ترکیه حدود ۳۰۰۰ دلار است. ارزش صادرات ترکیه سالانه ۲۵ میلیارد دلار است، در صورتی که درآمد صادرات غیرنفتی ایران سالانه حدود ۲ میلیارد دلار می‌باشد. میزان بیکاری در ایران در شرایط نامناسبی نسبت به ترکیه است و تولید صنعتی ایران از ترکیه پایین‌تر است. ایران همین فاصله‌ها را با عربستان سعودی نیز دارد.

ولی ایران دارای توانمندی‌هایی است که آن را در موقعیت مناسبی قرار می‌دهد و ترکیه و عربستان سعودی فاقد آن توانایی‌ها هستند. اگر با اقتصاد ایران برخورد مطلوبی شود، در طول ۵ سال می‌تواند دست‌آوردهایی داشته باشد که کشورهای دیگر طی ۲۰ تا ۳۰ سال به آن رسیده‌اند.

در ایران زیربنا وجود دارد. انرژی فراوان، بافت کارشناسی بسیار قوی، آب‌وهوای متنوع و منابع و امکاناتی که در ایران وجود دارد در ترکیه و هیچ‌یک از کشورهای اسلامی وجود ندارد.

ایران توانایی‌های بسیار بالا به‌صورت عملی ندارد، ولی توانمندی بالقوه بالایی دارد که بدون شک به آن کمک خواهد کرد.

■ آیا ایران می‌تواند به‌عنوان یک کشور اسلامی نقش محوری در ایجاد بازار مشترک اسلامی داشته باشد؟

تأمین مالی پروژه‌های توسعه‌ای استفاده کرد.

■ آیا بانک توسعه اسلامی در فعالیت‌های خود موفق عمل

کرده است؟

□ بانک توسعه اسلامی در کار خود موفق بوده است، ولی در کنار آن شرکت سرمایه‌گذاری اسلامی و نیز بانک سرمایه‌گذاری اسلامی را می‌توان به وجود آورد. البته بانک سرمایه‌گذاری تاکنون در ایران تأسیس نشده است، ولی بانک‌های سرمایه‌گذاری در کشورهای مختلف از مؤسسات کارآمدی هستند که می‌توانند در کنار دیگر فعالیت‌ها، انجام وظیفه کنند. بانک سرمایه‌گذاری اسلامی می‌تواند تأمین‌کننده منابع جدید برای سرمایه‌گذاری در کشورهای اسلامی و ایران باشد. ایران می‌تواند مشوق ایجاد چنین بانکی در بین کشورهای اسلامی باشد. در این زمینه تجربیات خوبی در ترکیه و کشورهای حاشیه خلیج فارس وجود دارد که ایران باید این تجربیات را به کار گیرد و بانی تأسیس چنین بانکی باشد.

■ ابزارهای اولیه برای تشکیل بانک سرمایه‌گذاری

اسلامی چه می‌تواند باشد؟

□ نخستین ابزار، سرمایه است که اعضاء باید آن را تأمین کنند. ابزار دوم، وجود پروژه‌هایی است که از توجیه اقتصادی برخوردار باشد.

■ شرکت سرمایه‌گذاری اسلامی چه فعالیت‌هایی را

می‌تواند انجام دهد؟

□ این شرکت پس از تأسیس می‌تواند در بازارهای سهام منطقه سرمایه‌گذاری کند. همچنین می‌تواند پروژه‌های جدید را اجرا کند. همکاری بانک سرمایه‌گذاری اسلامی و شرکت سرمایه‌گذاری اسلامی می‌تواند مکمل یکدیگر باشد.

بازارهای سهام منطقه در حال رشد هستند و این شرکت سرمایه‌گذاری اسلامی می‌تواند در بازارهای سهام کشورهای اسلامی سرمایه‌گذاری کند.

■ آیا تشکلهای موجود در بین کشورهای اسلامی

می‌توانند هسته اصلی تشکیل بازار مشترک اسلامی باشند؟

□ با آنکه سازمان همکاری اقتصادی (اگو) یک تجربه عمیقی نیست، ولی می‌تواند الگو و هسته مرکزی تشکیل این بازار باشد. البته (اگو) دربرگیرنده تعدادی از کشورهای اسلامی است. در این هسته مرکزی خلاء کشورهایی چون اندونزی، مالزی و عربستان سعودی به شدت احساس می‌شود. بنابراین اگر قصد بر این است هسته اصلی ایجاد شود، به ناچار

مازاد سرمایه کشورهای نفت‌خیز حاشیه جنوبی خلیج فارس به سمت سرمایه‌گذاری در کشورهای صنعتی غرب سوق داده شود.

البته هر زمان محیط مناسب در کشورهای اسلامی فراهم شده، این سرمایه‌ها به سوی کشورهای اسلامی حرکت کرده است که نمونه آن سرمایه‌گذاری کشورهای عربی و مؤسسات سرمایه‌گذاری آنها در مالزی و اندونزی است که مبالغ قابل توجهی می‌باشد. در مصر نیز سرمایه‌گذاری کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس در رشته‌های گردشگری و کارخانه‌های کاغذ و شکر مشاهده می‌شود.

باید به موضوع، ریشه‌ای نگریست. تا زمانی که بی‌ثباتی در کشورهای اسلامی وجود دارد، نه تنها امکان جذب سرمایه‌گذاری کشورهای اسلامی وجود ندارد، بلکه سرمایه‌های فعلی نیز از منطقه فرار می‌کنند که نمونه آن در ایران و سایر کشورهای اسلامی قابل مشاهده است.

با ایجاد ثبات اقتصادی در لبنان، عراق و ایران، سرمایه منطقه را به سوی کشورهای دیگر ترک کرده است. ترفند فرار سرمایه از سوی قدرت‌های استعماری اعمال می‌شود و کشورهای مسلمان باید همیشه هوشیار باشند که فریب این دسیسه را نخورند.

■ آیا وجود یک بانک اطلاعاتی بین کشورهای اسلامی،

آنان را در جهت تشکیل بازار مشترک اسلامی و گسترش

مناسبات اقتصادی کمک می‌کند؟

□ ایجاد بانک اطلاعات یکی از ابزارهایی است که ضرورت آن احساس می‌شود. به موازات آن، کمبود ابزارهای خاصی که بتوانند کشورهای اسلامی را گرد یکدیگر درآورند، نیز احساس می‌شود.

در این زمینه شاید ایران به‌عنوان میزبان و رییس سازمان کنفرانس اسلامی باید پیشگام باشد. همان‌طور که کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس شرکت سرمایه‌گذاری خلیج (فارس) را ایجاد کردند، ضرورت دارد کشورهای اسلامی نیز شرکت سرمایه‌گذاری کشورهای اسلامی را ایجاد کنند و همه کشورها عضو آن باشند و سرمایه آن با ارز معتبر باشد، برای آنکه انسجام فرهنگی را چاشنی این کار بکنیم تا با یکدیگر نزدیکی بیشتری احساس کنند، این شرکت می‌تواند به صورت شرکت سرمایه‌گذاری سهامی عام باشد که تمامی مردم در همه کشورهای اسلامی بتوانند سهامدار آن باشند و در افزایش سرمایه آن شرکت کنند تا بتوان از این ابزار به‌عنوان یک بازوی

منابع مالی خیلی راحت می‌توانند به سمت کشورهای اسلامی روانه شوند.

■ آیا همکاری بانک‌ها و شرکت‌های بیمه کشورهای اسلامی می‌تواند عاملی در جهت تشکیل بیشتر این کشورها باشد؟

□ از عوامل مؤثری که می‌تواند این کشورها را به هم نزدیک کند، همکاری بیمه‌ای و بانکی بین آنهاست. باید نقل و انتقال منابع مالی بین بانک‌های کشورهای اسلامی، آزاد باشد.

■ آیا خصوصی‌سازی در گروه سوم کشورهای اسلامی عامل عمده‌ای برای تشکیل بازار مشترک اسلامی نیست؟

□ برای زمان تشکیل بازار مشترک اسلامی یک سری معیارهایی باید در نظر گرفته شود که یکی از آنها می‌تواند میزان دخالت دولت در اقتصاد باشد.

در بین کشورهای اسلامی، کشورهایی چون ترکیه دارای بخش خصوصی فعال می‌باشند. در مالزی، تمام امور اقتصادی توسط بخش خصوصی انجام می‌شود و اندونزی و پاکستان نیز به همین گونه عمل می‌کنند. هر چه به سوی خاورمیانه بیایم، می‌بینیم دخالت دولت‌ها در سیستم اقتصادی بیشتر می‌شود.

در این زمینه باید یک معیارهایی به کار گرفته شود. برای مثال صنایع راهبردی در اختیار دولت باشد، ولی مخابرات، سیمان و فولاد از تسلط دولت درآید. البته میزان دخالت دولت در اقتصاد، بین کشورهای اسلامی مستثنی است. میزان دخالت دولت در اقتصاد در حد یک کشور سوسیالیستی یا یک کشور عقب‌مانده در عراق قابل مشاهده است.

البته این وضعیت موقتی است و دولت باید در زمینه ترکیب بخش خصوصی و نقش آن در اقتصاد، فکری بیندیشد.

■ در بین کشورهای اسلامی، کدامیک صنعتی محسوب می‌شوند؟

□ از نظر صنعتی: اندونزی، مالزی، ترکیه و تا حدودی مصر هستند که جزو رده اول محسوب می‌شوند. سایر کشورها موقعیت عقب‌مانده‌تری دارند.

در رده دوم، ایران، عراق، اردن و کشورهای شمال آفریقا می‌باشند. البته ایران در عرض ۵ سال می‌تواند خود را از نظر صنعتی به کشوری چون ترکیه برساند.

کشورهای دارای اقتصاد همگرا باید عضو این هسته باشند. در اکو کشورهایی چون افغانستان و برخی کشورهای تازه استقلال یافته شوروی سابق وجود دارند که اعضای مناسبی برای تشکیل هسته مرکزی نیستند، بنابر این تعدادی از این کشورها از جمله ایران و ترکیه که تجربیاتی در این زمینه دارند، باید در این هسته حضور داشته باشند و عربستان سعودی، مصر، اندونزی و مالزی نیز در کنار آنان باشند. من فکر می‌کنم ترکیه، مالزی و اندونزی به شدت مشتاق باز شدن بازار کشورهای اسلامی هستند و بیشترین استفاده را از این امر می‌برند.

■ به نظر شما عمده‌ترین موانع برای ایجاد یکپارچگی اقتصادی بین کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی چیست؟

□ لازمه ایجاد این تشکلهای دو مورد است: ۱- اقتصادهای همگرا و مکمل یکدیگر، ۲- نزدیکی سیاسی.

در بین کشورهای اسلامی، اختلاف‌نظرهای زیادی وجود دارد و این امر یک مانع است. البته ایجاد بازار مشترک اسلامی می‌تواند در کاهش تنش میان کشورهای یادشده مؤثر باشد.

■ بانک توسعه اسلامی با کدام یک از کشورها همکاری بیشتری دارد؟

□ هدف از تشکیل این بانک، تأمین منابع مالی برای پروژه‌های توسعه‌ای است. براساس تقاضاهایی که از این بانک می‌شود، تقاضاها بررسی می‌گردد و هر کشور به نسبت سهمی که در این بانک دارد، مجاز به استفاده از منابع مالی بانک می‌باشد. ایران در چند نوبت از تسهیلات بانک استفاده کرده است.

با کمک بانک توسعه اسلامی، کارخانه سیمان سفید ساوه تأسیس شد. بیشتر تسهیلات این بانک به ایران برای واردات مواد اولیه بوده است.

■ راه‌های توسعه سرمایه‌گذاری بین کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی چیست؟

□ ۱- مقررات‌زدایی یا همگن کردن مقررات.
۲- آیین‌نامه مربوط به خروج سود حاصل از سرمایه‌گذاری.

۳- ایجاد تسهیلات لازم برای گردش سرمایه.
۴- قبل از آنکه بازار مشترک اسلامی تأسیس شود، باید خروج و ورود سرمایه آزاد شود. اگر چنین کاری انجام شود، با توجه به اینکه برخی کشورهای اسلامی مازاد سرمایه دارند،